

فرهنگیان

<div><div>📅</div><div>شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳</div></div>
<div><div>📺</div><div>شماره ۴۲۶۲</div></div>
<div><div>🌐</div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div>
<div><div>🌐</div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div>



<div><div>📅</div><div>شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳</div></div>
<div><div>📺</div><div>شماره ۴۲۶۲</div></div>
<div><div>🌐</div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div>
<div><div>🌐</div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div>

مدیرمسئول:

- محمدامین ایمانجان‌ی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

- مسعود فروغی

سردبیر:

- محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:

- ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)

کدپستی:

- ۱۱۳۵۶۳۳۱۱۶

چاپ:

- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

- خیابان حافظ،پایین‌ترازجمهوری

- روبه‌روی ساختمان‌پورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

۱۶

گزارشی قابل تأمل از اشخاص حقوقی که سود سپرده ۳۰ درصدی از بانک‌ها می‌گیرند

بانک‌ها چطور خودکشی می‌کنند؟



فاطمه سادات مرتضوی خبرنگار

بهمن سال گذشته بود که بانک مرکزی با انتشار اطلاعیه‌ای از انتشار ۲۰۰ همت گواهی سپرده خاص با نرخ سود ۳۰ درصدی خبر داد. طبق این دستورالعمل، بانک‌ها قادر بودند برای تأمین سرمایه در گردش طرح‌های با بازدهی بالا اقدام به انتشار این اوراق با هفت و نیم واحد درصد سود بیشتر از قبل کنند. بسیاری از کارشناسان در آن زمان هشدارهایی دادند مبنی بر اینکه در این میان این احتمال وجود دارد که با حساب‌سازی برخی بانک‌ها در تبدیل سپرده‌های قبلی با نرخ سود ۲۲ درصدی به ۳۰ درصد مواجه خواهیم بود. هدف اولیه بانک مرکزی از این اقدام این بود که با این سیاست نقدینگی سیال به سمت بازار دارایی‌ها حرکت نکنند و از آنجایی که در آن شرایط انتظارات تورمی بسیار بالا بود، بانک مرکزی معتقد بود که این اقدام را در راستای تأمین سرمایه گردش در تولید انجام می‌دهد. بررسی «فرهیختگان» از یک آمار قابل دسترس نکته قابل تأملی را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات صورت مالی شرکت‌های بیمه‌ای، این شرکت‌ها که قبلاً سپرده‌های خود را با نرخ ۲۰ تا ۲۲ و ۲۳ درصد در بانک‌ها سپرده‌گذاری کرده بودند، در سال گذشته با انتشار گواهی سپرده ۳۰ درصدی، سپرده‌های اغلب این شرکت‌ها به نرخ ۳۰ درصد تغییر یافته است. کارشناسان معتقدند سیاست افزایش نرخ سودی که در سال قبل اعمال شد و تا به امروز ادامه یافته، به صورت منطقی هیچ اثری روی جذب منابع جدید بانکی نداشته است. اما در هر صورت اینکه اثر این سیاست‌گذاری روی گردش پول و منصرف کردن افراد از خرید دارایی چه میزان بوده، باید به آمارهای جزئی‌تر رجوع کرد.

سودهای ۳۰ درصدی در شرکت‌های بیمه‌ای

نگاهی به صورت‌های شرکت‌های بیمه‌ای حاکی از آن است در حالی که بیشترین نرخ سود سپرده کوتاه‌مدت در شبکه بانکی در سال ۱۴۰۱ به ۲۲ تا ۲۳ درصد و بعضاً به ۲۵ درصد نیز می‌رسید، این مقدار در سال ۱۴۰۲ و پس از انتشار گواهی سپرده ۳۰ درصدی در برخی شرکت‌ها به ۳۰ درصد رسیده است. البته تعدادی از بیمه‌های نیز وجود دارند که همچنان گزارشی از اعمال افزایش ۷ یا ۸ واحد درصدی سود به سپرده‌های بانکی خود منتشر نکرده‌اند. مطابق بررسی‌های «فرهیختگان» از صورت‌های مالی یک‌ساله شرکت‌های بیمه‌ای، بیمه پاسارگاد و بیمه نوین و همچنین بیمه پارسیان جزء سه بیمه‌ای به حساب می‌آیند که بیشترین نرخ سود را به میزان تقریبی (۲۶ تا ۳۰ درصد) دارند. البته بیمه‌هایی مانند بیمه سرمد و پاسارگاد ازجمله بیمه‌هایی‌اند که نرخ سود خود را به ۳۰ درصد افزایش داده‌اند. نکته جالب توجه اینجاست که مجموع سود خالص ۲۷ شرکت صنعت بیمه در پایان سال ۱۴۰۲ به رقم ۱۴ هزار میلیارد تومان رسید که بیمه البرز با کسب حدود ۲۱ درصد از آن یعنی ۳ هزار میلیارد تومان در جایگاه نخست سود دریافتی قرار گرفته است. شرکت‌های بیمه پاسارگاد و کوثر به ترتیب با ۲۷۰۰ و ۲۴۰۰ میلیارد تومان سودسازی در جایگاه دوم و سوم ایستادند. همچنین مجموع زیان خالص ۳ شرکت برتر در سودسازی نیز به ۱۲۵۲ میلیارد تومان رسید.

پارک پول‌ها در بانک‌های بازاری حسابداری؟

حسین درودیان، کارشناس اقتصادی درخصوص سیاست جذب سپرده ۳۰ درصدی به «فرهیختگان» گفت: «باید توجه داشته باشیم که سیستم بانکی حاکم بر کشور یک سیستم بسته است به این معنا که پولی که ما از آن به عنوان پول بانکی یا سپرده یاد می‌کنیم صرفاً بین بانک‌ها جابه‌جا می‌شود، یعنی فقط عدد هستند که در قالب‌های حسابداری جابه‌جا می‌شوند و در حقیقت نقل

و انتقال خاصی داخل و خارج از شبکه بانکی رخ نمی‌دهد، به جز مقدار بسیار ناچیز اسکناس که ورود و خروج آن تقریباً متناسب است. پس ما با سیستمی کاملاً بسته روبه‌رویم. این بسته بودن به این معناست که وقتی ما نرخ‌های سود را افزایش می‌دهیم چیزی از بیرون بانک عاید بانک نمی‌شود در حالت برعکس نیز همین‌طور است، با کاهش نرخ سود سپرده چیزی از بانک خارج نمی‌شود. البته روی سرعت گردش پول (سرعت تراکنش‌ها، بده‌کار و بستانکار شدن‌ها) اثرگذار است یا به عبارت دیگر روی ترکیب سپرده‌ها تاثیر خواهد داشت. یعنی وقتی نرخ سود سپرده‌ها هر چه بالاتر باشد، ترکیب سود‌ها اغلب روی کمتر گردش‌کننده (سپرده‌های فریزشده) حرکت می‌کند. لذا می‌توان گفت سیاست افزایش نرخ سودی که در سال گذشته اعمال شد و عملاً تا به امروز ادامه یافته است به‌صورت منطقی هیچ اثری روی جذب منابع جدید بانکی ندارد اما اینکه اثر آن روی گردش پول (کند کردن گردش پول) و منصرف کردن افراد از خرید دارایی چه بوده است باید به آمار رجوع کرد و دید که چه سهمی از سپرده‌های گردش‌کننده سیال در آن مقطع زمانی اصطلاحاً فریز شده‌اند و این گونه باقی مانده‌اند. اگر صرفاً سپرده‌هایی که در گذشته فریز شده‌اند با یک نرخ بالاتری مجدداً افتتاح حساب کرده باشند به این معناست که تاکنون عملاً هیچ کارکردی نداشته‌اند، این نیازمند رجوع به آمار و ارقام است. برآورد من این است که سهم سپرده‌های گردش‌کننده‌ای که رفتند و فریز شدند با این سیاست بسیار پایین بود.

سپرده ۳۰ درصدی برای نورچشمی‌ها!

سیدعباس عباس‌پور، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره سیاست افزایش تقریبی ۸ واحدی درصدی نرخ سود سپرده‌گذاری در یک سال اخیر اظهار داشت: «نگام می‌روم به دلیل وجود سهمیه محدود (۲۰۰ همت) برای تغییر طبقه تسهیلات و اخذ گواهی سپرده خاص ۳۰ درصدی، طبیعتاً بانک‌ها این امتیاز ویژه را به مشتریان ویژه خود ارائه دهند. اما مشتریان ویژه بانک‌ها چه کسانی می‌توانند باشند؟ گروه اول، شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌هایی‌اند که با آنها رابطه سهامی دارند. گروه دوم، سرمایه‌گذاران کلان بانک‌ها هستند. و گروه سوم مشتریانی‌اند که رابطه بلندمدت با این بنگاه‌ها و بانک دارند. این احتمال وجود دارد که این سه گروه اولویت بیشتری برای تخصیص سپرده‌ها با سود ۳۰ درصدی با بودجه محدودتر داشته باشند که احتمالاً شرکت‌های بیمه‌ای زیرمجموعه بانک‌ها که رابطه سهامی نیز با آنها دارند این امکان را داشته باشند تا گواهی سپرده خاص برای آنها ثبت‌اثر کرده شده باشد.»

سپرده ۳۰ درصدی تصمیم‌درستی نبود

عباس‌پور در ادامه با اشاره به نادرست بودن افزایش نرخ سود سپرده به ۳۰ درصد، تصریح کرد: «برای تشخیص درست یا نادرست بودن این سیاست در یک سال اخیر باید به پیشینه‌ای که در این مدت داشته توجه کرد؛ در زمستان ۱۴۰۲ انتظارات تورمی مقداری افزایش داشت. همچنین کشور ترکیه نیز روی سپرده‌های موجود در کشور خود (در واحد لیر) سودی با درصد بالاتر از یک به ۵۰ درصد پیشنهاد کرده بود، بانک مرکزی نیز این ظن را داشت که انتظارات تورمی منجر به خروج سرمایه از کشور ما به کشور ترکیه داشته باشد و در مواردی نیز که مربوط به تقاضای تجاری مربوط به سال قبل بود، احتمالاً ما یک افزایش نرخ ارز را تجربه کنیم، به همین دلایل بانک مرکزی این سیاست را اتخاذ کرد. البته توجه داشته باشیم بانک مرکزی در ابتدا هدف از اقدام را تأمین سرمایه در گردش تولید ذکر کرده بود (البته که باید گفت که این حرف از لحاظ فنی اشتباه است)، اما در اصل هدف بانک مرکزی این بود که از سیبالتی سپرده‌ها کم شود و خروج سپرده‌ها اتفاق نیفتد و همچنین یک نرخ جذاب را به سپرده‌گذاران پیشنهاد دهند. این هدف اصلی بانک مرکزی است. این تصمیم، تصمیم درستی نبود؛ چراکه آن سپرده‌هایی که تغییر طبقه دادند و آن سپرده‌هایی که از این تغییر طبقه

استفاده کردند درحقیقت سپرده‌های جاری‌ای نبودند که تبدیل به سپرده‌های بلندمدت مثلاً یک‌ساله شوند و گواهی سود ۳۰ درصدی بگیرند بلکه همان سپرده‌های یک، دو و سه‌ساله بودند که با نرخ سودهای ۲۲ و ۲۳ درصد در حال گرفتن سود سپرده بودند و صرفاً یک تغییر طبقه‌ای در قرارداد‌های سپرده‌گذاری آنها صورت گرفت. ما شاهد این بودیم که نه‌تنها سیبالتی نقدینگی و تبدیل پول به شبه پول کاهش پیدا نکرد، بلکه همان نسبت عدد پول به شبه پول در شبکه بانکی باقی ماند و درنهایت از دیدگاه من این تصمیم تصمیم نادرستی بود که از جانب بانک مرکزی گرفته شد.»

حساب‌سازی بانک‌ها؟

دیدگاهی در این بین وجود دارد که می‌گوید بانک مرکزی با این سیاستگذاری باعث این تلقی شد که امکان نظارت بر میزان تبدیل سپرده‌ها به گواهی‌های خاص را ندارد و بانک‌ها حساب‌های دفتر کل خود را به صورت اظهاری به بانک مرکزی ارائه می‌دهند و خب آن چیزی که بانک‌ها اظهار می‌کنند با آن چیزی که در واقعیت در حساب‌ها جریان دارد امکان دارد متفاوت باشد، لذا ممکن است بانک‌ها مقدار بیشتری از سپرده‌های خود را تبدیل به سپرده ۳۰ درصد کنند و بانک مرکزی نیاز امکان صحت‌سنجی و نظارت روی آن را ندارد. این اقدام باعث شد میزان بیشتری از سپرده‌ها تبدیل به سپرده ۳۰ درصد شود، این افزایش باعث افزایش چشمگیر نرخ بهره صندوق‌های درآمد ثابت، شرکت‌های تأمین سرمایه، بنگاه‌ها و نرخ بهره بازار آزاد شد.»

تبعات تحریک نرخ‌های بهره در بازار

عباس‌پور معتقد است طی سال گذشته میزان گزارش‌شده از افزایش نرخ‌های بهره، حداقل ۵ درصد است. برای مثال یک نرخ بهره ۲۷-۲۶ درصدی به ۳۳-۲۲ درصد رسیده است. نرخ بهره شرکت‌های تأمین سرمایه در بازار سرمایه از حدود ۳۰ درصد ۲۵ درصد تا حدود ۲۲ درصد بالا رفت و نرخ بهره بازار آزاد هم مقداری افزایش یافت. علاوه بر اینها اتفاقات دیگری نیز رخ داد از جمله ایجاد اختلال در سیاست کنترل ترازنامه بانک مرکزی بود؛ چراکه وقتی نرخ‌های بهره بالا رابه سپرده‌ها اختصاص می‌دهی، بانک‌ها برای پرداخت این سود سپرده‌محور به خلق پول می‌شوند و این امر موجب می‌شود تا بانک مرکزی که از هدف رشد ۲۲ درصدی برای نقدینگی رفته‌رفته دور شود و قادر به انجام این هدف‌گذاری نباشد.»

تعمیق ناترازی بانک‌ها

عباس‌پور در رخصص این گزاره که «عرضه سپرده‌های قدیمی با نرخ سود جدید و عدم تخصیص سپرده‌های جدید در طرح گواهی سپرده ۳۰ درصدی» می‌گوید این گزاره صحیح است. در کوتاه‌مدت این امر منجر به افزایش ناترازی بانک‌ها می‌شود؛ چراکه بانک‌ها با وجود اینکه کم‌اکان نرخ تسهیلات و درآمد‌هایشان افزایش چشمگیری نداشته، مجبور به پیشنهاد نرخ سپرده‌های بالاتری می‌شوند و این اتفاق باعث افزایش ناترازی درآمد- هزینه بانک‌ها خواهد شد.

همچنین ازجمله تبعات بعدی این اتفاق این است که درکوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت، با افزایش نرخ سود پرداختی بانک‌ها به مشتریان، رشد نقدینگی از محل پرداخت سود سپرده افزایش پیدا می‌کند و این باعث می‌شود بانک مرکزی از هدف خود مبنی بر کنترل رشد نقدینگی و رساندن آن به میزان هدف‌گذاری‌شده در سال ۱۴۰۳ (حدوداً ۲۲۱ درصد) تا حد زیادی دور شود. از تبعات دیگر این تصمیم بانک مرکزی می‌توان به افزایش نرخ تأمین مالی در بازار آزاد و بازار سرمایه همچنین افزایش نرخ سود صندوق‌های درآمد ثابت اشاره کرد. پس از آن که بسیاری از بانک‌ها نرخ سود‌های خود را برای سپرده‌های مختلفی بیش از میزان (۳۰ درصد) که در گواهی قید شده بود، افزایش دادند این تلقی بیش از پیش تقویت شد که بانک مرکزی امکان نظارت بر تمام بانک‌ها را ندارد.

مخاطرات انحراف

هزینه‌های مسئولیت

اجتماعی شرکت‌ها

در لایحه بودجه ۱۴۰۴



سینا شیکھی پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

جامعه در نظام حکمرانی سه کنشگر به هم پیوسته دارد؛ دولت، بازار و مردم. در نظام‌های فکری مختلف این سه ضلع به همکاری، رقابت و حتی انحصار پیش می‌روند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این سه کنشگر یاورانی در کنار هم و دارای مسئولیت نسبت به یکدیگر شناخته می‌شوند. اما به دلیل برنامه‌های داخلی و خارجی این تنظیم‌تا حدی برهم خورده و تداخل و تراحم این سه بخش موجب اصطکاک و حتی فرسایش میان این کنشگران شده است.

نمونه‌ای از این تنظیم نامناسب در لایحه بودجه ۱۴۰۴ در حوزه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به چشم می‌خورد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یک مقوله اقتصادی و اجتماعی است که در الگوی متعادلی می‌تواند تعهد شرکت‌ها نسبت به جامعه را عملیاتی کند و البته دولت به‌عنوان ناظر مانع از انحراف این مسیر و ایجاد مشکلات متداول این حوزه در جهان است. جامعه نیز هم مخاطب مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست و هم می‌تواند کنشگری همراه و ناظر و تصمیم‌گیر و حتی مجری در این حوزه باشد. اما چنانکه اشاره‌شد این تنظیم مناسب در لایحه بودجه ۱۴۰۴ صورت نگرفته است.

در تبصره ۸ این قانون ذیل شناسه بودجه ۷۰۱۱۲ «در اجرای بند ب ماده ۷۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت و در راستای ارتقای اخلاق و فرهنگ اسلامی و همچنین ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، حمایت از تحکیم خانواده و جمعیت و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان»، ۳۰ درصد از بودجه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به عنوان منبع قرار گرفته است. نکته نخست درباره اولویت داشتن موضوعات مذکور برای هزینه‌کرد منابع مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست، یعنی فاغ از اهمیت موضوعات مذکور که حتماً در جای خود اهمیت دارند، آیا منابع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باید به این موضوعات تخصیص یابد؟ امروزه شرکت‌ها با چند چالش اساسی روبه‌روند که منابع مسئولیت اجتماعی باید متوجه آنها باشد. نخست ضرر و لطمه‌ای است که این شرکت‌ها به محیط‌زیست وارد می‌کنند. پسماند کارخانه‌ها، گازهای مضر صنایع نفت و گاز، برداشت منابع آبی و آلودگی دریا از مهم‌ترین این مشکلاتند که اگر منابع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به این موضوعات تخصیص نیابند جایگزینی نخواهند داشت و ضربه‌های تاریخی و بین‌نسلی به جامعه ایران وارد می‌شود. از این موضوع حیاتی که بگذریم مسئله جوامع پیرامونی صنایع پیش می‌آید که عمده صنایع دارای منابع مسئولیت اجتماعی در استان‌های محروم قرار دارند که حق‌شان از آن منابع در اولویت قرار دارد. موضوعی که عدم اهتمام به آن در سال‌های اخیر در قالب تنازعات جوامع محلی و صنایع ظهور و بروز داشته است و حتی منجر به ایجاد خرابکاری در نواح خود می‌شود؛ چراکه مردم پیرامون صنایع تصور این را دارند که ثروت آنها برای مرکز و آلودگی و فقر سهم ایشان است. موضوعی که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند برنامه‌ریزی مناسبی برای حل این مشکل باشد.

موضوع دیگر در این لایحه نحوه تخصیص منابع مذکور است. در ادامه حکم لایحه آمده: «در اجرای تکالیف قانون و مقرراتی مربوط، حداقل ۴۰ درصد از هزینه امور مسئولیت‌های اجتماعی خود را در مقاطع سه‌ماهه به میزان ۲۵ درصد، به حساب «مسئولیت‌های اجتماعی و محرومیت‌زدایی» به نام سازمان برنامه و بودجه کشور در خزانه‌داری کل کشور واریز کنند تا به صورت تجمیعی و مطابق برنامه عملیاتی و در راستای اجرای اهداف برنامه هفتم پیشرفت، صرف برنامه‌های مذکور در صدر حکم شود. ما در سالی قرار داریم که مزین به عنوان «مشارکت مردم» است. مسئله هزینه بودن نظام اسلامی از قانون اساسی تاکنون مدنظر رهبران انقلاب اسلامی بوده است، یعنی حاکمیت با مشارکت مردم در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، نظارت، مطالبه‌گری و اجرا امور مختلف را پیش می‌برد. اما چندی است که برخی تصمیم‌گیران در پی آنند که مردم را از تمام این سطوح حذف‌کنند. تا چندی پیش شاهد تقلیل نقش مردم به مجری برنامه‌های دولت بودیم و اکنون شاهد آئیم که در لایحه مذکور نقش بنگاه‌های اقتصادی به تأمین‌کننده منابع مالی دولت تقلیل یافته و در نحوه هزینه‌کرد آن منابع گروه‌های مردمی اعم از تشکل‌ها و تعاونی‌ها و گروه‌های جهادی و… حذف شده‌اند. اینچنین دولتی‌کردن امور و به حاشیه راندن مردم نه‌تنها کمکی به نتایج مذکور در لایحه بودجه نخواهد کرد، بلکه موجب پایین آمدن نشاط و سرمایه اجتماعی خواهد شد. دولتی‌کردن روزانه امور مختلف باعث شده مردم تحرک اجتماعی خود را از دست دهند و در امور مختلف منظر دولت و کنش دولتی باشند؛ چنانکه این اتفاق در راهبیمایی‌ها و جشن‌ها و عزاداری‌های مذهبی نیز دیده می‌شود. البته این مشکل ریشه‌ای اساسی دارد که در عدم تنظیم مناسب بخش‌های مختلف حکمرانی است و مانع‌ازمدت یک سند بالادستی کلان و جامعیم تاب‌دانیم وظایف و نحوه همکاری بخش‌های مختلف حکمرانی چگونه باید باشد.

آخرین نکته نیز به پیش‌بینی نتیجه این حکم در واقعیت بازمی‌گردد. منابع عمومی مانند اطفال و مالیات باید برای توسعه کشور و بازتوزیع منابع به‌منظور تحقق عدالت هزینه شوند. اما مشکلات دولت در تراز نشدن بودجه باعث شده منابع مذکور به پرداخت حقوق کارکنان و رفع مشکلات دولت اختصاص یابد. واقعی نبودن بسیاری از اعداد در بخش منابع لایحه بودجه ۱۴۰۴ مانند فروش نفت و واگذاری بنگاه‌های دولتی باعث می‌شود که ما در بودجه دچار ناترازی شویم. نتیجه این ناترازی هرساله خود را در حذف برنامه‌های توسعه‌ای و عمومی نشان می‌دهد؛ مانند پرداخت نشدن هزاران میلیارد تومان حق‌تعاونی‌های فراگیر از محل واگذاری‌های دولتی در چند سال اخیر. نگرانی جدی و واقعی این است که با وصول نشدن منابع لایحه بودجه ۱۴۰۴، دولت برای هزینه حقوق و دستمزد و…، منابع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را که اینک آن را در خزانه خود می‌بیند، هزینه‌کند. ماجرا می‌شود آش‌نخورده و دهان سوخته. پیش‌بینی آن است که ۴۰ درصد منابع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نه در موضع نیازمندی خود یعنی محیط‌زیست و جوامع پیرامونی هزینه می‌شود و نه در موارد مذکور در لایحه؛ بلکه محلی خواهد شد برای تأمین حقوق و دستمزد و سایر ناترازی‌های دولت.

درنهایت پیشنهاد می‌شود این حکم از لایحه بودجه ۱۴۰۴ حذف شود و دولت با همکاری مجلس به تنظیم قانونی مبادرت ورزد که بتواند با تنظیم مناسب مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تعیین نقش مناسب برای دولت، صنعت و جامعه به پیشرفت کشور کمک کند.»